



پلی به کیار باقی

بررسی تفاوت شهادت با سایر مرگ‌ها

محبوبه ابراهیمی

اشاره:

کشته شدن در راه دین، میهن و یا عقاید سیاسی؛ در جوامع گوناگون به شکل‌های مختلف وجود دارد؛ اما به طور مشترک مورد تقدیر و ستایش است. از این رو کشته‌شدگان و یا حتی محرومین و بازماندگان جنگی، در تمامی ملل، مورد احترام حکومت‌ها و عامه مردم هستند. در فرهنگ اسلامی، این نوع فدا شدن در راه خدا، معنی «شهادت» گرفته است. شبفتگی انسان‌ها در دستیابی به شهادت، این سؤال را در ذهن می‌پروراند که چه تفاوتی میان این نوع مرگ و سایر مردن‌ها وجود دارد که این گونه آنان را به استقبال مرگ می‌کشاند؛ حال آن که بسیاری از مرگ در هراس و واهمه‌اند. در بررسی این موضوع که اصولاً چه وجه تمایزی میان شهادت و سایر مرگ‌ها وجود دارد، مراجعه به قرآن و سنت، می‌تواند بهترین راهگشا باشد. تأمل و تدبیر در این دو منبع، شاخصه‌های متعددی را بیان می‌کند.



تسلیمت نگفتن به
خانواده‌های شهدا،
از همین معنای رفیع
سرچشمه می‌گیرد که در
حقیقت آن‌ها نمرده‌اند،
بلکه با مرگ ظاهری،
زننده واقعی شده‌اند.

در عصر خود، یاری‌گردین و امام‌خویش‌باشند. شباهت تمامی این انسان‌ها با سالار مکتب شهادت و تفاوت‌شان با سایرین، در این انتخاب آگاهانه و مختارانه است. برخلاف سایر انسان‌ها که از شنیدن نام مرگ، بیم و هراس وجودشان را فرامی‌گیرد، این انسان‌ها خود به استقبال مرگ می‌روند. در حقیقت آن‌ها به سوی مرگ می‌روند، نه مرگ به سوی ایشان. خداوند نیز که همواره بشارت‌دهنده جهادگران فی سبیل الله است، آنان را از هرگونه ترس از مرگ باز می‌دارد و می‌فرماید: «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^۲ از مردن نترسند و هیچ غم نخورند. ایمان به وعده‌های الهی، تلاش در راه کسب رضایت خداوند و آگاهی به پاداش‌های بزرگ و نیکو و جایگاه ممتاز و جاودان در بهشت؛ از جمله عواملی است که ترس را از دل‌های این مؤمنین دور ساخته و تن‌هایشان را مهیای شهادت می‌سازد.

۲. کشته شدن در راه خدا

همچنان‌که بیان شد، مردن در راه خداوند، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های شهادت است. برخلاف سایر مرگ‌ها که بدون آگاهی و هدف خاص، انسان را در بر می‌گیرد؛ شهادت، علاوه بر انتخاب آگاهانه، با کشته شدن با هدف و در راه خدا محقق می‌شود. براساس روایات، برای نخستین بار، پیامبر گرامی اسلام (ص)، واژه شهید را در مورد کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند به کار برده و فرمودند: «جراحکم فی سبیل الله و من قتل منکم فانه شهید»؛ جراحاتی که بر شما وارد می‌شود در راه خداست و هر کس از شما کشته شود، شهید است.^۳

بر مبنای این حدیث، به روشنی واضح است که شهادت به کشته شدن در راه خداوند اطلاق می‌شود. چنانچه در آیات متعددی در قرآن نیز شهید با تعبیری همچون: «و من یقتل فی سبیل الله»^۴ «و الذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا»^۵ «و الذین قتلوا فی سبیل الله»^۶ یاد شده که انتخاب راه الهی، شاخصه‌ای برای شهیدان به حساب می‌آید.

۱. انتخاب آگاهانه شهید

یکی از مؤلفه‌های اصلی شهادت، انتخاب آگاهانه و با اختیار آن است. در واقع بر اساس اعتقادات اسلامی، شهادت زمانی محقق می‌شود که با دو ویژگی همراه باشد: ۱. مرگ آگاهانه ۲. کشته شدن در راه خدا. هرگاه مرگ فاقد یکی از این دو عنصر باشد، از دیدگاه قرآن و شریعت الهی، عنوان شهات نمی‌گیرد. انتخاب کاملاً آزاد و از روی اختیار شهادت، در سیره سالار مکتب شهادت، ابا عبدالله الحسین (ع)، به روشنی و بیش از سایرین نمایان است.

در عالم ذر، آنگاه که خداوند اراده نمود تا ظلم و ستم را با مظلومیت یکی از بندگانش ریشه کن نماید، داوطلبی طلبید و تمام ملزومات این مسیر پرخطر و مشقت‌بار را توصیف نمود؛ «دور شدن از وطن و تحمل بلا یا و محن، بالرب تشنه کشته شدن، فرزندان و برادران و یاران خود را کشته دیدن، از دشمنان دشنام شنیدن، زن و فرزند اسیر شدن و در بازارهای میان نامحرمان گشتن، سردر طشت‌تلا در مجلس شراب گذاشتن و چوب خیزران برآوردن، معجز از سر خواران کشیدن، اطفال از تشنگی مردن، تیر بر حلق طفل شش ماهه خوردن، دست‌های بریده برادر دیدن، فرق جوان هجده‌ساله شکافته مشاهده کردن، ناله العطش از کودکان شنیدن، به دوازده ضربه سر از عقب جدا ساختن، بدن را برهنه کردن و در آفتاب انداختن و اسب بران تاختن»؛ «اهل عرصه باشنیدن این توصیف‌ها به خود دل‌زدیدند و جرأت پذیرش این همه مصیبت‌رانداشتند. سرانجام پس از سه بار تکرار سؤال، حسین بن علی (ع) جان‌فروستارترین پیمان قربانی شدن در طول تاریخ را با تمام سختی‌هایش پذیرفت و حتی آنگاه که خداوند پیش‌نهاد پاداش در نظر گرفته شده بدون تحمل این مصیبت‌ها را به وی داد؛ حضرت با اختیار کامل تحمل بلا یا و محنت‌ها در راه خداوند را بر گزید.^۱ بر این اساس او «سالار شهیدان عالم» لقب گرفت؛ سالار کسانی که مرگ را داوطلبانه در آغوش می‌کشند و هیچ‌هراسی به دل راه نمی‌دهد. ۷۲ نفر نیز از جای برخاسته و به یاری او داوطلب شدند و در روز عاشورا، عاشقانه در رکابش جنگیدند و با چهره‌های خندان به استقبال شهادت رفتند. پیمان‌هایی از این جنس، در عالم ذر، توسط انسان‌های فراوانی امضاء شد تا



روزی فراوان و منزل که از مظاهر حیات و زندگیست، به کشته شدگان در راه خداوند وعده داده شده است. قرآن صراحتاً به بیان این موضوع می‌پردازد: «لَبِئْسَ قَوْمٌ لَّهِ رِزْقًا حَسَنًا»^۴ خداوند رزق و روزی نیکویی نصیبشان می‌گرداند، «لَبِئْسَ قَوْمٌ لَّهِ رِزْقًا حَسَنًا»^۵ آن‌ها را منزلی عنایت کند که بسیاری به آن خشنود باشند. بهره‌مندی از نعمت‌های فراوان از جلوه‌های دیگر این حیات معنویست که در قرآن به آن اشاره

شده: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^{۱۱} آنان به فضل و رحمتی که خداوند نصیبشان گردانده، شادمانند.

این حیات توأم با شادمانی و شمع، وعده الهی است که بی‌شک محقق می‌شود و پاداش انتخاب آگاهانه و مشتاقانه انسان‌هاست.

۵. نیاز داشتن شهید به غسل و کفن

از بارزترین تفاوت‌های ظاهری میان شهید و سایر مردگان، نیاز نداشتن به غسل و کفن است. بر مبنای روایات و فتاوای تمامی مراجع تقلید، شهید باید با همان لباسی که بر تن دارد و بدون پوشاندن کفن به خاک سپرده شود و همان‌طور که آغشته به خون خویش است، بدون غسل، دفن شود. این تفاوت، امتیاز ویژه میان شهدا و سایرین است؛ چرا که هیچ مسلمان دیگری جایز به دفن با لباس و بدون کفن و با بدن خونین نیست. تنها وجه مشترک در مراحل شرعی، نماز میت است که به شهید نیز اعاده می‌شود و در این زمینه تفاوتی میان شهید و سایر مردگان وجود ندارد.

۶. آموزش گناهان به دلیل شهادت

بر اساس روایتی از رسول اکرم (ص)، با ریخته شدن اولین قطره خون شهید بر زمین، تمام گناهان وی امرزیده شده و مورد مغفرت کامل الهی قرار می‌گیرد. قرآن نیز کشته شدگان در راه خداوند را مشمول رحمت و غفران الهی دانسته و شهادت را موجب آموزش

۳. زنده ماندن شهید

اگرچه فرد کشته شده در راه خداوند، ظاهراً شبیه سایر مردگان بوده و تفاوتی با آن‌ها ندارد، اما به گواهی قرآن، نباید آن‌ها را مرده به حساب آورد؛ بلکه برخلاف اموات، زنده بوده و زیستی جاودان دارند؛ به تعبیر قرآن: «و لا تقولوا لمن يُقتل فی سبیلِ اللَّهِ اموات بل اَحیاء»^۷ و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند و یا: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیلِ اللَّهِ اموات بل اَحیاء»^۸ هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند.

تصریح قرآن، به خوبی نشان‌دهنده دلیل استقبال قلبی انسان‌ها از شهادت است؛ چرا که شهید با جدا شدن ظاهری روح از جسم، به نقطه آغاز زندگی و حیات جاودان و ابدی می‌رسد. به نظر می‌رسد که تسلیت نگفتن به خانواده‌های شهداء، از همین معنای رفیع سرچشمه می‌گیرد که در حقیقت آن‌ها نمرده‌اند، بلکه با مرگ ظاهری، زنده واقعی شده‌اند. به تعبیر شاعر:

پایان زندگی هر کس به مرگ اوست
جز مرد حق که مرگ وی آغاز دفترست

۴. حیات فرحبخش و توأم با شادمانی

قرآن که از انسان‌ها می‌خواهد تا شهیدان را صاحب حیات بدانند، جلوه‌هایی از زندگانی را برای شهیدان متذکر می‌شود. اعطای رزق و



کشته شدند، خدا هرگز رنج و اعمالشان را ضایع نگرداند. به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین پاداش الهی، همان بهشت جاودان باشد که فرد با شهادت لایق آن می‌گردد، چنانکه قرآن درباره مجاهدین فی سبیل الله وعده می‌دهد: «وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ»^{۱۸} و آن‌ها را وارد بهشت می‌کند. و چه پاداشی بزرگ‌تر و نیکوتر از بهشت رضوان الهی که شهید بی‌درنگ داخل آن می‌شود.

۸. استقبال ملائکه از شهید

روایات منقول از اهل بیت (ع)، بیانگر آن است که به محض جدا شدن روح از جسم شهید، وی مورد استقبال ملائکه الهی و حورالعین بهشتی قرار گرفته و با شادباش ایشان وارد بهشت می‌شود. در روایتی آمده سر شهید در دامن دو حوریه بهشتی قرار می‌گیرد و در حالی که غبار از چهره او می‌زدایند، به او می‌گویند شهادت در راه خدا و ورود به ضیافت الهی، بر تو مبارک باد.^{۱۹}

در روایتی دیگر از رسول اکرم (ص) نیز علاوه بر این، ذکر شده که ملائکه از لباس‌های بهشتی بر او می‌پوشانند و خادمان بهشت، بی‌درنگ عطرها و مخصوص بهشتی برای او حاضر می‌سازند تا هر کدام را بخواهد استعمال کند و از روح او می‌خواهند در هر جای بهشت که می‌خواهد، استراحت کند.^{۲۰}

این در حالی است که سایر مردگان به این آسانی و بدون وقفه، پس از مرگ با استقبال و شادباش ملائک مواجه نشده و با جدا شدن روح از جسم انسان، زمان محاسبه اعمال فرا می‌رسد.

روایتی دیگر از رسول مکرم اسلام (ص) نیز، استقبال ملائکه از شهید را این‌گونه بیان می‌کند: وقتی مجاهد فی سبیل الله بر اثر تیر دشمن از اسب بر زمین افتد، هنوز پیکر پاکش نقش بر زمین نشده که خداوند متعال فرشته‌ای را به استقبال روحش می‌فرستد و او را به بهشت و نعمت‌ها و کرامت‌هایی که برایش مهیا شده، بشارت می‌دهد. وقتی که پیکر پاکش نقش بر زمین شد، فرشته الهی به او می‌گوید: آفرین بر تو ای روح پاک که از بدن پاک خارج شدی. برای تو مقام و منزلتی است که هرگز چشمی آن را ندیده و گوش‌ی آن را نشنیده و به قلبی خطور نکرده است.^{۲۱}

گناهان معرفی می‌نماید، چنانچه می‌فرماید: و لئن قتلتم فی سبیل الله او مُتّم لمَغفرة من الله و رحمة خیر ممّا یجمعون؛^{۱۲} اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید؛ آمرزش و رحمت خدا، از تمام آنچه تنها جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است.

در جای دیگر، خداوند شهادت را موجب تبدیل سیئات به حسنات معرفی می‌نماید: «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُوا مِن دِيَارِهِمْ وَآذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قَاتَلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ»؛^{۱۳} آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند، همانا بدی‌های آنان را می‌پوشانم.

امام صادق (ع) نیز شهید را معاف از مؤاخذه و مجازات الهی معرفی می‌نماید: «مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمْ يَعْرِفُهُ اللَّهُ شَيْئًا سَيِّئًا»؛ کسی که در راه خدا کشته شود، خدا سیئات و گناهانی که کرده است را مؤاخذه و مجازات نخواهد کرد.^{۱۴} بر مبنای همین آمرزش گناهان و معاصی است که به گواهی روایات، شهید از سؤال و فشار قبر مصون بوده و بدون هیچ‌گونه سؤال و جواب و بازخواستی، داخل در بهشت رضوان می‌شود.

۷. شهادت: موجب پاداش بزرگ الهی

از آن‌جا که ریخته شدن مظلومان خون شهید بر زمین، موجب آمرزش گناهان گشته و سیئات را به حسنات مبدل می‌سازد، لذا این حسنات و نیز فناء جسم خاکی در راه پروردگار، پاداش عظیمی را می‌طلبد که وعده‌های الهی نیز بر آن صحه می‌نهد. خداوند به خوبی ضایح نشدن خون شهید و پاداش نیکو به وی را بشارت می‌دهد: «وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛^{۱۵} هر کس در راه خدا بیکار کند و کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجر عظیم دهیم.

این مسئله در آیات دیگر نیز تکرار شده و مؤمنان مجاهد به ضایح نشدن اجرشان بشارت داده شده‌اند: «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛^{۱۶} از نعمت خدا و فضل او مسرورند؛ و خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نمی‌گرداند.

«وَالَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ»؛^{۱۷} و آنانکه در راه خدا

۹. شهید؛ شافع روز حشر

شهید به واسطه قرب الهی و جایگاهی که نزد خداوند می‌یابد، مقام شفاعت را کسب می‌نماید که سایر مردگان از آن محرومند؛ ویژگی‌ای که خاص انبیاء و علماست و رسول گرامی اسلام (ص) نیز بر آن صحنه نهاده‌اند: «ثلاثة یشفعون الی الله یوم القیامة فیشفعهم الانبیاء، ثم العلماء، ثم الشهداء»؛ سه گروه در قیامت شفاعت می‌کنند و شفاعت‌شان پذیرفته می‌شود: انبیاء و علما و شهدا.^{۲۲}

بستگان شهید نیز به برکت خون شهید و عمل خدا پسندانه‌اش، می‌توانند به واسطه شفاعت وی امرزیده شده و وارد بهشت شوند. از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که: «شفع الشهید سبعین من اهله»؛^{۲۳} شهید، هفتاد نفر از بستگانش را شفاعت می‌کند.

۱۰. زیارت قبور شهدا

همچنان که شیعیان به زیارت قبول اهل بیت (ع) اهتمام می‌ورزند، زیارت قبور شهیدان نیز از اهمیت و ثواب ویژه برخوردار است. از آنجا که شهیدان در رتبه‌ای قرین به ائمه و بزرگان دین قرار می‌گیرند، زائر قبر ایشان نیز، از برکات خاص الهی بهره‌مند می‌شود. در حقیقت برخلاف اموات دیگر که زندگان برای دعاخوانی و طلب مغفرت و آمرزش برایشان، بر مزار آنان حاضر می‌شوند، قبر شهید تنها به منظور طلب شفاعت و کسب فیوضات الهی مورد توجه قرار می‌گیرد، نه نیاز شهید به دعای زندگان. بنابراین نیاز به دعا که اصلی‌ترین نیازهای اموات است، در مورد شهید، معنایی ندارد. رسول اکرم (ص) روز اُحد بالای سر مصعب بن عمیر ایستادند و دیگران را به زیارت قبر شهدا و سلام دادن به ایشان دعوت کردند.^{۲۴}

۱۱. ایجاد حسرت در دل‌ها

در موارد محدودی، مرگ افراد به حسرت دیگران می‌انجامد و در حالت کلی، مرگ موجب نگرانی و اندوه‌سایرین می‌شود؛ حال آنکه فقدان شهید نه موجب اندوه و حزن و گریه، که باعث حسرت انسان‌ها می‌شود. اگر اشکی هم جاری شود، از غبطه خوردن مقام شهید سرچشمه می‌گیرد و نه اندوه از دست دادنشان. امیر المؤمنین علی (ع) با تعبیر «دست‌ها را به دندان بگزم»، یاران خویش را به حسرت و غبطه بر کشته‌شدگان در راه خدا فراموش می‌خواند.^{۲۵}

۱۲. کسب رضایت خداوند به واسطه کسب رضایت خانواده شهید

گرچه تقدّر و دلجویی از بازماندگان اموات، موجب تسلاّی

خاطر ایشان می‌شود، اما این مسئله در مورد بازماندگان شهدا، جلوه‌ای دیگر دارد؛ دلجویی از ایشان، رضایت خداوند را در پی داشته و این باوریست که از فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) برداشت می‌شود. ایشان فرمودند: خدا فرمود من جانشین شهید در خانواده وی هستم. هر کس رضایت خانواده شهید را جلب کند، رضایت مرا جلب کرده و هر کس آن‌ها را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.^{۲۶}

آنچه بیان شد، اصلی‌ترین تفاوت‌ها میان شهید و سایر مردگان است که مواردی نظیر دیدن جایگاه ابدی هنگام جان‌دادن، صاحب‌برترین مرگ‌ها، نظر به وجه‌الله، رستگاری پس از مرگ و... را نیز می‌توان به این موارد افزود که استنباط شده از آیات و روایات می‌باشند. این وجه تمایزها، انسان طالب کمال را به استقبال شهادت می‌کشاند تا بار یختن خون خود و فدا نمودن جان، به بهترین‌ها و اصل گردد. امید که مانیز به این هنر مردان خدا دست یابیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رک: تذکره الشهداء، ج ۱، حبیب‌الله شریف کاشانی، انتشارات شمس الضحی، قم، ۱۳۸۴.
۲. آل عمران، ۱۷۰.
۳. ماهنامه شاهد جوان، شماره ۳۵۶، مقاله شهید و شهادت.
۴. نساء، ۷۴.
۵. حج، ۵۸.
۶. محمد، ۴.
۷. بقره، ۱۵۴.
۸. آل عمران، ۱۶۹.
۹. و ۱۰. حج، ۵۸ و ۵۹.
- ۱۱ و ۱۲ و ۱۳. آل عمران، ۱۷۰ و ۱۵۷ و ۱۹۵.
۱۴. وسایل الشیعه، ج ۱۱، کتاب الجهاد مع العد، باب ۱، حدیث ۱۹.
۱۵. نساء، ۷۴.
۱۶. آل عمران، ۱۷۱.
- ۱۷ و ۱۸. محمد، ۴ و ۶.
۱۹. وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰، حدیث ۱۹.
۲۰. ماهنامه شاهد جوان، همان.
۲۱. سفینه البحار، ج ۱، ماده شهید و خصائل شیخ صدوق، ص ۱۵۶، حدیث ۱۹۶.
۲۲. همان.
۲۳. کنز العمال، ج ۴، ص ۱ - ۴.
۲۴. کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۱۷.
۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱، ص ۲۳۰.
۲۶. وسایل الشیعه، باب ۲۵، حدیث ۳.